

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

Vanguard Woman	زن پیشواز
----------------	-----------

از: س. روشنگر

خوانندگان محترم ! باید به عرض برسانم که نوشته حاضر بمناسبت برگزاری محفل ۸ مارچ ۲۰۰۸ تهیه شده بود . ولی این محفل بنا به فوت نابهنگام یکی از دوستان برگزار نگردید . ضمن آنکه روح آن مرحومه را شاد میخوام برآنشدم تا بنا بر اهمیت موضوع آنرا به مطالعه همگان برسانم .

رشد روز افزون اعتیاد در بین زنان و اطفال در افغانستان

"ظلمت شب میکند بیداد در پهنای شهر
صبح میخوانی تو اش باقصه و افسانه ای"

موضوع بسیار حیاتی ، حساس و سرنوشت ساز برای ملت ما که امروز در رسانه ها زیاد مورد بحث میباشد ، رشد و تولید مواد مخدر است ، که بنا به گزارشاتی افغانستان ۹۳٪ مصرف مواد مخدر دنیارا تولید میکند . من میخوام امروز توجه شمارا به چند نکته مهم و حساسی درین رابطه جلب کنم . تا در کشور ما علاوه بر کشت و تولید مواد مخدر بالای خانماسوز اعتیاد به این زهر تباہ کن بیداد میکند ، تا جائیکه عده ای زیادی از جوانان ، مردان و حتی زنان و اطفال معصوم وطن را به آن مبتلا نموده است . در چند ماه گذشته گزارشاتی از آمار معتادین زن را در افغانستان از طریق رسانه های خبری شنیدم که برایم شنیدن آنها واقعا تاسفبار و تکان دهنده بود . در آخرین گزارش کمیسیون حقوق بشر افغانستان شمار معتادین زن در کشور اشغال شده مارا ۱۲۰ هزار نفر برشمرده اند و این فاجعه ایست بسیار بزرگ و دردناک جانکه که هر انسان با دردی را به تآثر فرومیرد . من میکوشم درینجا ضمن اشاره مختصر به علل و عوامل این اعتیاد ، اشارتی به عاملین بین المللی ترویج مواد مخدر در افغانستان و کشورهای مانند آن داشته باشم امیدوارم شما دوستان با دقت به این مطالب تکان دهنده و سرنوشت ساز جامعه خود توجه کنید .

معتاد بودن یا استفاده مداوم از مواد مخدر در بین بعضی از مردم در افغانستان چیز نوی نیست . در گذشته استفاده از چرس یا حشیش و تریاک در بین عده ای کمی از مردمانیکه سطح فرهنگ پائین داشتند رایج بود که در اثر فقر اقتصادی و فرهنگی و یا بدبختی های دیگر زندگی به آن دچار شده بودند و از نظر جامعه به دیده خوب دیده نمی شدند و این ها زوایای ناپسند فرهنگی مارا میساخت . معتادین را مردم به نام شان صدا نمیکردند بلکه در پیشوند و یا پسوند نام شان چرسی تریاک قمار باز و . . . ضمیمه مینمودند . مثلا رسول چرسی ، ربانی تریاک ، رشید بنگی و . . . که همه ماوشما به این گونه الفاظ آشنائی داریم . آنچه امروز قابل دقت و بررسی است : ایجاد پرابلم های ناشی از کشت و تولید مواد مخدر در بین اطفال و زنان میباشد که خطر رشد روز افزون اعتیاد به تریاک ، هیروئین ، حشیش یاچرس و . . . زندگی جوانان ، اطفال و زنان را تهدید میکند .

فقر اقتصادی و بیکاری در جامعه و بخصوص بین زنان بویژه آنهاییکه طی سالهای جنگ و برپادی به دست جنایتکاران و متجاوزین به کشور نان آور خانه خود را از دست داده اند ، یکی از زمینه های ناگزیری به اعتیاد است . در مناطقی که دهقانان کشور زمین های زراعتی شانرا بنا به خواست جنگسالاران ، هیروئین سالاران و مافیای بین المللی مجبور میشوند تریاک کشت کنند ، برداشت این محصول نیروی کار بیشتری را

می طلبد لذا زنان وحتى اطفال هم باید درین پروسه سهم خود را ادا کنند. در اثر تماس مکرر به این ماده خطر ساز و استنشام بوی تیز آن واحتمالا استفاده از آن جهت رفع خستگی و یارفع درد ، کم کم به مصرف آن عادت میکنند که در نتیجه اعتیاد را بوجود میآورد . اساسا این ماده آرام بخش و مسکن قوی برای تسکین دردها است ، که در طبابت هم به همین منظور مورد استفاده قرار میگیرد . ولی بدبختانه و یا خوشبختانه که اکثرا از مردم عادی هم این خاصیت تریاک را از تجربه دریافته اند ولذا به عنوان مسکن و آرام بخش و برای رفع خستگی های ناشی از کار شاق روزانه چون امکان دیگری و یا دوی دیگری در دست رس ندارند برای هر مورد از همین ماده بربادکننده کار میگیرند و در نتیجه بلای خانمانسوز اعتیاد زود و یا کمی دیرتر به سراغ شان می آید.

بنا به گزارشی از بی بی سی : " در شمال کشور عده ای از کارگران زن که در مزرعه های مختلف کار میکنند ، از بامداد تا ناهفت های شام از خانه های خود دور می مانند و به گفته آنها، شامگاه زمانی که به خانه های خود می روند نیز خسته از کار روز ، نمی توانند به درستی از کودکان خود مراقبت کنند .

شماری از این زنان می گویند برای اینکه کودکان شان عدم حضور مادران خود را حس نکنند، به آنان مقداری تریاک می دهند تا بیشتر ساعات روز را در خواب بگذرانند .

پزشکان هشدار داده اند که این عمل می تواند آسیب زیادی را به کودکان وارد کند و حتی منجر به این شود که کودکان در سنین بزرگسالی به مواد مخدر معتاد شوند . "

یکی از این خانمها بنام حفیظه ۳۱ ساله که شوهرش ۷۰ ساله میباشد مجبور است برای تا مین خانواده خود و بدست آوردن مزد ناچیز و ناکافی تا ناهفت های از روز از اطفال خود دور باشد و در مزرعه کار نماید. می گوید شش کودک دارد و مزدی که در بدل کار در مزرعه دریافت می کند برای تامین زندگی خانواده اش کافی نیست راه حل دیگری هم به مشکلش نمیباشد لذا به مواد مخدر پناه میبرد .

همچنین در گزارش عفو بین الملل وضعیت زنان و دختران افغان رادر سایت بی بی سی چنین میخوانیم :
" زنان در ولایت هلمند به دلیل ادامه نا امنی ها و افزایش تولید مواد مخدر در این ولایت با مشکلاتی روبرو هستند .

براساس گزارش ها ، در ۳ سال گذشته، شمار زیادی از زنان در هلمند به دلیل دسترسی به مواد مخدر به استفاده از داروهای نشئه آور روی آورده اند .

بیشتر این زنان می گویند به دلیل مشکلاتی که در زندگی خود دارند، از داروهای نشئه آور استفاده می کنند . هوسی، یکی از همین زنان می گوید: "من در زندگی ام بسیار مشکل دارم. فرزندانم شهید شده اند؛ وضعیت زندگیم بد است و اعصابم خراب شده است. به همین دلیل شبها از داروهای خواب آور و تریاک استفاده می کنم . وضعیت صحتی ام خوب نیست. همه استخوانهایم درد می کند و به شدت ناراحت هستم . وزارت صحت افغانستان هشدار داده است که اگر از گسترش اعتیاد در کشور جلوگیری نشود، تا ۴ سال دیگر، ۴ درصد جمعیت این کشور به ایدز مبتلا خواهند شد.

مقامات صحتی در افغانستان می گویند تا اکنون بیش از ۲۵۰ مورد بیماری ایدز در این کشور ثبت شده است." دلیل روشن این قضیه هم استفاده از سرنگ مشترک برای زرق مواد مخدر و پادار موارد زیاد دیگری است که ناشی از کمبود و عدم امکانات صحتی در افغانستان است .

یکی از بدختی هاییکه جنگ ۳۰ ساله برای ملت ما به ارمغان آورده در کنار هزاران پرابلم دیگر اعتیاد است . وقتی زندگی معتادین را به ارزیابی بگیریم همه این بدبختی ها زمینه در فقر ناشی از جنگ و حاکمیت های ضد مردمی دارد. پدری که همه هستی زندگی خود را در جنگ از دست داده و حال هم کار و یا زمینه برای تامین زندگی خانواده اش نباید از زن و اولاد و خانه و کاشانه اش فرار میکند و برای فراموش کردن لحظات تلخ و فرساینده زندگی خود به تریاک و یا ماده مخدر دیگری پناه میبرد .

امروز استفاده از مواد مخدر بویژه هیروئین یا گرد به عنوان تقنن به خورد جوانان داده میشود . این جزئی از سیاست های شوم استعمارگران و متجاوزین خارجی و حاکمان مزدور داخلی است. زیرا دشمنان وطن و مردم هرگز نمی خواهند منافع شان در افغانستان به خطر بیافتد لذا تخدیر کردن افکار جوانان و کودکان که آینده سازان این کشور ویران شده اند و منحرف کردن آنها با استفاده از مواد مخدر میتواند برای متجاوزین و عمال دست نشانده آنها زمینه خوبی به ادامه وضعیت فعلی شان باشد . استعمارگران درین رابطه تجارب زیادی از مستعمرات شان دارند . برای اثبات بهتر این ادعا دوستان و علاقه مندان به این گزارشات و سرنوشت ملت مظلوم خویش میتوانند به سایت کابل پرس مراجعه نمایند و مطلب و فلم کوتاه و مستندی زیر عنوان (رابطه مواد مخدر ، جهادافغانستان ، ISI و CIA) که به تاریخ ۲۶ فبروری به نشر رسیده است بشنوند و ببینند .

از طرف دیگر سالهاست که گفتگوها و بحث ها پیرامون چگونگی جلوگیری از کشت و تولید مواد مخدر و کشت جایگزین آن در افغانستان وجود دارد و ظاهرا مبارزه با این پروسه ادامه دارد . هرچند که بیشتر و وسیعتر ماموران اداره مبارزه با مواد مخدر اقدام به از بین بردن نمایی جوانه ها و گل های ظاهرا زیبای کونکنا میکنند ، محصول و برداشت آن در مناطق دیگر از سال قبل بیشتر میگردد . بنابه گزارشی از

تولیزبون آریانا در تاریخ ۷ فیروری امسال افغانستان ۹۳٪ مواد مخدر جهان را سالانه تولید میکند و در ردیف اول تولید کنندگان قرار میگیرد. اینکه چگونه قاچاق میشود و در قاچاق آن کی ها دست دارند و چقدر از آن دردهای دهقانان بیچاره را به دوا میرساند از کتاب افغانستان الگوی دموکراسی امریکایی نوشته و. انیژ میخوانیم. درص ۱۰۹ کتاب زیر عنوان بهره گیری از مواد مخدر آمده است:

"بارها و بارها از مقامات مختلف بشمول آقای علی احمد جلالی وزیر داخله حکومت موقت کرزی شنیده ایم که تفنگسالاران و حتی مقامات بلند پایه ای دولتی در کاشت و برداشت و انتقال تریاک و تبدیل آن به هیروئین و صدور آن از مملکت نقش دارند. وزیر داخله میگفت: "هیچ ممکن نیست که بدون دخالت مقامات بلند پایه حکومتی کسی بتواند هزاران تن تریاک و هیروئین تولید و صادر کند." دقیقاً همین طور است هیچ عقل سلیمی نمیپذیرد که دهقان بیچاره افغان که بخاطر لقمه نانی اجباراً تن به کشت تریاک میدهد از عهده چنین کاری برآید. بویژه تا آنجا که از رسانه های گروهی میشنوم، نیروی ویژه ای از نیروی کمک به امنیت یا ISAF و شاخه انگلیسی آن برای جلوگیری ازین کار توظیف شده اند. فقط با امکانات دولتی و پشتوانه ای قدرتهای نظامی ممکن است با چنین پهنا و گستره ای به این کار اقدام کرد. ازسوی دیگر مواد و دستگاههایی که تریاک را به هیروئین مبدل میکند ساخت اروپا است. آن مواد و دستگاهها را خود اروپایی ها به افغانستان وارد میکنند. بنا سودا اصلی مواد مخدر را اشغالگران ناتو میبرند نه دهقانان افغانستان."

در جواب این پرسش که از سود این ماده تباہ کن کی ها و چگونه مستفید میشوند؟ و چرا افغانستان مورد این هدف قرار گرفته است از زبان صاحب نظران و نویسندگان معتبر دیگر نیز چنین میخوانیم. داکتر جانکلن نویسنده کتاب "کمیتة ۳۰۰ کانون توطئه های جهانی" از حکومت پنهان جهانی صحبت میکند، گویا یک حکومت ماورای دولت های جهان وجود دارد که جهان توسط او رهبری و توطئه های جهانی در همانجا برنامه ریزی میشود. وی در مقدمه کتاب مذکور مینویسد:

"حکومت پنهان جهانی از دهها سال پیش با رهبری مستقیم دربار انگلیس و شخص پادشاه بنیان یافته آهسته ولی پیوسته در صحنه بسیاری از رخ دادهای ملی و بین المللی حضور فعال داشته است." وی در ادامه این بحث می افزاید: "نخستین طرفداران تاسیس حکومت پنهان جهانی برای دستیابی به بنیه مالی نیرومندی که تحقق هدفهای آنان را امکان پذیر سازد مقوله قاچاق تریاک یا به زبان خود آنان تجارت تریاک را سرچشمه قرار داده و با فروش و توزیع آن به درآمدهای سرشاری دست یافتند. درآمد حاصل ازین قاچاق نفرت انگیز به بانکها و شرکت های بیمه متعدد تبدیل گشته و امکانات مالی و اعتباری گسترده را در اختیار آنان قرار داده است. نخستین نطفه توطئه جهانی در همین جا بسته شد."

از تحقیق و بررسی صاحب نظران در زمینه چگونگی رشد روز افزون مواد مخدر و رازهای نهفته سیاستهای پشت پرده استعمارگران به این نتیجه میرسیم که دست انگلیسها بیشتر از هر استعمارگر دیگری درین ماجرا دخیل است. اینجاست که **به منشیای تولید مواد مخدر و ترویج آن** پی میبریم و درمیابیم که چرا در افغانستان انگلیسهای زیر فرمان ناتو ولایت نآرام هلمند را، باآنکه ۸۰٪ آن زیر فرمانروایی طالبان است، دودسته چسبیده اند و با دادن تلفات فراوان حاضر نیستند آنجا را ترک کنند. از قرار معلوم منافع شان درین ولایت بیشتر تامین میشود. ولایت هلمند ضمن مساعد بودن به کشت تریاک با داشتن موقعیت جغرافیایی مناسب و هم مرز بودن با کشور پاکستان و راه عبور مناسب به کشور ایران همیشه زمینه خوبی برای انتقال اجناس و محصولات قاچاق بوده است. امروز نیز ازین موقعیت سوق الجیشی آن جنگسالاران و متجاوزین به کمک همسایگان استفاده شایانی را مینمایند. انتقال مواد مخدر از دروازه هلمند، بحیث یکی از مجاری، بسوی بازار های دنیا و کسب ملیونها دلار و ذخیره آن در بانکهای جهانی برای تأمینات نامشروع جنایتکاران هیروئین سالار داخلی و استعمارگران و سیاست های شوم ویرانگرانه آنها است که بر بادی ملت ما را همراه دارد.

استعمارگران در قالب کشور های دوست و کمک کننده به افغانستان و مزدوران جنایتکار آنها هرگز نمیخواهند کشت تریاک جایگزین دیگری داشته باشد. آنها دهقانان را تشویق و وادار به کشت تریاک میکنند و جوانان و اطفال و حتی زنان را تا حدودی به استفاده ازین مواد و امیدارند. تا در آینده مغزهای متفکر و سرنوشت سازی درین دیار رشد و نمو نکند و این سرزمین برای همیشه پایگاه استحکاماتی آنها بماند. تا آنها بتوانند بهتر و بی دردسرتر به چور و چپاول و تحقق اهداف دراز مدت خود ادامه دهند. آنچنانکه در چین، هند و مستعمرات دیگرشان کردند. آنها به قانون جنگل باور دارند و همچنان عمل میکنند. به نظر آنها ذخایر انرژی دنیا تا چند سال دیگر روبه اتمام است و برای همه بشریت کافی نیست لذا باید نسلهائی نابود شوند تا زورآوران برای فردای خود بقدر کافی ذخیره باشند.

در مقدمه کتاب کمیتة ۳۰۰ نوشته جان کلن مترجم آن مینویسد: "جان کلن از زبان اعضای کمیتة ۳۰۰ سخن میگوید. منابع کره زمین محدود است برای کاستن از رشد بی قاعده جمیعت جهان و جلوگیری از افزایش روز افزون شمار (مصرف کنندگان بی مصرف) باید با راه اندازی جنگهای قومی و آشوبهای موضعی دست به اقدام سریعی زد تا منابع موجود بتواند در تداوم نسل بشر اثر گزار باشد." اگر برای لحظه بیاندیشیم از پیوند میان واقعیت های خونین که در کشورهای افریقا، امریکای لاتین، خاورمیانه، بوسنی

وهرزه گوین ، افغانستان ، کوزوو و ایرلند جزو آن روداده و میدهد و شعار های باشگاه رم که از نهادهای کمیته ۳۰۰ است به شگفت درخواهید آمد ، چه بروز این رخداد ها بیشتر در مناطقی است که جمعیت (مصرف کنندگان بی مصرف) تمام سطوح آنها را پوشانیده است . "

دوستان عزیز بررسی این واقعیت های تلخ وکشف اسرار حکومت پنهان جهانی مارا با دنیای از وحشت و برپادی متوجه میسازد که با پیاده شدن روزتارو این سیاست های شوم توسط جهان غرب و توسعه حکومت های فراملیتی آنها ، بشر ویا بهتر بگویم مردمانی از کشورهای جهان سوم به تباهی کشیده میشوند که کشور اشغال شده ما افغانستان هم یکی از این قربانیان است . دلیل رشد روزافزون تولید مواد مخدر و مبتلایان آن در افغانستان ازین سرچشمه نفرت انگیز آب میخورد که کشور و مردمان سلحشور و آزاده ما با تجاوز مسلحانه امپریالیستها قربانی این جنایت گردیده اند .

پس بیایید ما هم به نوبه خود وبا افشای اهداف شوم استعمارگران ازهمین جا یک مبارزه جدی علیه مروجین مواد مخدر و علیه اعتیاد به مواد مخدر آغاز کنیم و واقعیت هارا با چشمان باز ببینیم . استعمارگران متجاوز که دیروز بهانه جهاد تروریست تربیت کردند امروز درکشور ما بنام دموکراسی و بازسازی چه ارمغانهای شومی آورده اند . ازسوی دیگر بکوشیم و تا آنجا که توان داریم تلاش کنیم اولاد ما ، دوستان ما ، اطرافیان و هموطنان ما با مواد بنیان کن و تباه کن مخدر عادت پیدا نکنند و به انحراف کشیده نشوند . بحث روی این مسئله بخصوص امروز درعین زمان به عنوان هوشداری است برای آنهایی که در اروپا یا غرب زندگی میکنند که بیخبر از اطراف خود نباشند . در اروپا و غرب زمینه های زیادی برای مصرف این مواد و معتاد شدن وجود دارد که بحث آنرا به وقت دیگری میگذاریم و فقط در پایان آرزو میکنم که این بلای نفرت انگیز و تباه کن هرگز دروازه خانه های ما و شما را نکوبد .

پایان ۰۸.۰۳.۲۰۰۸